



ادب خواجه نصیر نسبت به امام کاظم(ع) / تأملی در روز ولادت امام هفتم

خواجه نصیر در آستانه مرگ، وصیت می نماید که مرا در حرم شریف باب الحوائج موسی بن جعفر دفن نمایید و برای احترام به مقام آن امام بزرگوار هیچ یک از القاب مرسوم را روی قبرم ننویسید.

خواجه نصیر در آستانه مرگ، وصیت می نماید که مرا در حرم شریف باب(ع)shy; الحوائج موسی بن جعفر دفن نمایید و برای احترام به مقام آن امام بزرگوار هیچ یک از القاب مرسوم را روی قبرم ننویسید.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: هفتم صفر و بیستم ذی الحجه، دو تاریخی است که برای ولادت امام کاظم(ع) ذکر شده است. اما در سال های اخیر به دلیل شبهاتی که در مورد روز هفتم صفر مبنی بر ولادت امام کاظم(ع) به وجود آمد در تقویم رسمی روز بیستم ذی الحجه به عنوان روز ولادت امام هفتم اعلام شد. دو بحث در مورد تردید در هفتم صفر به عنوان روز ولادت امام کاظم مطرح شد. اول اینکه: روز هفتم صفر ولادت امام کاظم (ع) نیست؛ اشتهار آن به این مناسبت کار ناصرالدین شاه است و باید این اشتباه اصلاح شود. نظر دوم اینکه: اگر چه هفتم صفر ولادت امام هفتم باشد، از آنجا که جنبه عزا بر شادی مقدم است باید در این روز مراسم عزا به پا شود. قائلان این دیدگاه سیره مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری «مؤسس حوزه علمیه» را نیز در اینrlm& باره مورد توجه قرار می&lrn&دهند.

با توجه به ضعف قول اول هفتم صفر و همچنین تناسب ماه صفر با عزاداری و ماتم اهل بیت(ع) از سوی دیگر و همچنین وجود روایاتی بر وقوع این ولادت در ماه ذی(ع)shy; الحجه و تناسب بیشتر ماه ذی(ع)shy; الحجه با شادی اهل بیت(ع)، بزرگداشت ولادت آن حضرت در این ماه توصیه می(ع)shy; شود

به هر ترتیب امروز به عنوان روز ولادت موسی ابن جعفر(ع) به بررسی سیره آن امام بزرگوار می پردازیم. حجت الاسلام عباس محمودی، استاد حوزه علمیه قم، پژوهشگر عرصه حدیث و عضو انجمن حدیث حوزه علمیه قم به [خبرنگار مهر](#) گفت: در مورد ولادت امام کاظم(ع) دو قول وجود دارد؛ قول اول اینکه ولادت آن حضرت در ماه صفر واقع شده و قول دوم اینکه آن حضرت در ماه ذی(ع)shy; الحجه متولد شده است. به نظر حقیر، با توجه به ضعف قول اول و همچنین تناسب ماه صفر با عزاداری و ماتم اهل بیت(ع) از سوی دیگر و همچنین وجود روایاتی بر وقوع این ولادت در ماه ذی(ع)shy; الحجه و تناسب بیشتر ماه ذی(ع)shy; الحجه با شادی اهل بیت(ع)، بزرگداشت ولادت آن حضرت در این ماه توصیه می(ع)shy; شود. دلیل ما برای وقوع ولادت امام کاظم در ماه ذی(ع)shy; الحجه دو روایت است؛ روایت اول، از ابوبصیر نقل شده که می(ع)shy; فرماید در سالی که امام کاظم(ع) متولد شد، من با امام صادق(ع) در سفر حج بودم وقتی به منطقه ابواء رسیدیم، موسی(ع) متولد شد. روایت دیگر از امام عسکری(ع) نقل شده که درباره ولادت امام کاظم(ع) فرمودند: « منطقه(ع)shy; ای بین مکه و مدینه در ماه ذی(ع)shy; الحجه سال ۱۲۷ هجری واقع شده است.» از آن جهت که در روایت امام عسکری ابتدا، مکه و سپس مدینه آمده است احتمال اینکه در راه بازگشت از مکه ولادت اتفاق افتاده باشد، تقویت می(ع)shy; شود از سوی دیگر با توجه به اینکه فاصله مکه تا ابواء حدود هفت روز راه بوده اگر یک روز پس از اتمام مراسم حج یعنی روز سیزدهم ذی(ع)shy; الحجه امام صادق(ع) از مکه حرکت کرده باشند حدوداً باید روز بیستم ذی(ع)shy; الحجه به محله ابواء رسیده باشند، لذا احتمال می(ع)shy; رود ولادت امام کاظم(ع) در این روز واقع شده باشد.

خواجه نصیر وقتی خود را در آستانه مرگ می(ع)shy; بیند، وصیت می(ع)shy; نماید که مرا از جوار باب(ع)shy; الحوائج، موسی بن جعفر(ع) بیرون نبرید و در آن حرم شریف دفن نمایید و برای احترام به مقام آن امام بزرگوار، هیچ یک از القاب مرسوم «آیت(ع)shy; الله، علامه، پرفسور و...» بر قبرم ننویسید بلکه این آیه قرآن «وَكَلِّبُهُمْ بِاسِطٍ ذِرَاعَيْهِ يَالْوَصِيدِ.» را بنویسید

وی در ادامه با بیان اینکه عظمت مقام امامان معصوم(ع) قابل شناخت نیست، گفت: انسانها هرچه از نظر علمی به درجات بالاتری دست یابند، عظمت مقام معصومان(ع) را بهتر درک نموده و از همین جهت، خود را نزد آنها ناچیزتر و اندک می(ع)shy; شمارند. به عنوان نمونه باید از خواجه نصیر الدین طوسی که خود بزرگ فیلسوف، منجم، ادیب، فقیه و ریاضیدان جهان اسلام است، یاد نمود که آن قدر از نظر علمی رشد می(ع)shy; کند که از یک شکل هندسی به نام قطاع، ۴۹۷۷۶۴ (نزدیک نیم میلیون) حکم هندسی استنباط می(ع)shy; کند، اما همین شخصیت وقتی خود را در آستانه مرگ می(ع)shy; بیند، وصیت می(ع)shy; نماید که مرا از جوار باب(ع)shy; الحوائج، موسی بن جعفر(ع) بیرون نبرید و در آن حرم شریف دفن نمایید و برای احترام به مقام آن امام بزرگوار، هیچ یک از القاب مرسوم «آیت(ع)shy; الله، علامه، پرفسور و...» بر قبرم ننویسید بلکه این آیه قرآن «وَكَلِّبُهُمْ بِاسِطٍ ذِرَاعَيْهِ يَالْوَصِيدِ.» را بنویسید. این آیه که مربوط به داستان اصحاب کهف در قرآن است، نشان از فهم و درک خواجه نصیرالدین است که می(ع)shy; گوید: «من همچون سگ اصحاب کهف در آستانه مزار امامین کاظمین(ع) زانو زده(ع)shy; ام.»

حجت الاسلام محمودی با اشاره به دهه امامت و ولایت درباره جایگاه امام و امامت از منظر امام کاظم(ع)، گفت: در

این shy&؛ باره، روایات متعددی وجود دارد، اما به یک روایت که مرحوم کلینی (ره) در کتاب شریف کافی نقل نموده و ضمن آن یکی از کرامات امام کاظم (ع) هم آمده است، اشاره می‌شود؛ کنم. در این روایت که از ابوبصیر نقل شده، آمده است: «روزی محضر ابوالحسن، امام کاظم (ع) بیان داشتند: «امام با چه علامات و نشانه‌ها shy&؛ هایی شناخته می‌شود؟» امام کاظم (ع) در پاسخ فرمودند: «شناخت امام چند نشانه دارد؛ نشانه اول اینکه از جانب امام قلبی معرفی شده باشد. نشانه دوم این است که هر سوالی از او پرسیده شود، پاسخ می‌شود؛ گوید و اگر کسی از ایشان مطلبی نپرسد، خودش ابتدا به سخن می‌شود؛ نماید و مطلبی را بیان می‌کند. نشانه سوم اینکه می‌شود؛ shy&؛ تواند از آینده خبر دهد و نشانه چهارم آن است که بر همه زبانها مسلط است و می‌شود؛ shy&؛ تواند با هر شخصی از مردم جهان به زبان خودش سخن گوید و نیاز به مترجم ندارد.» ابوبصیر می‌شود؛ shy&؛ گوید، آنگاه امام (ع) خطاب به من فرمودند: «ای ابا محمد! اکنون پیش از اینکه از جای خود برخیزی، یکی از این علامات را به تو نشان می‌دهم. در همین هنگام شخصی از اهل خراسان وارد مجلس ما شد و شروع کرد به زبان عربی با حضرت سخن گفت ولی امام (ع) با فارسی پاسخ او را داد. آن مرد خراسانی خطاب به امام (ع) گفت: جانم فدایت! به خدا قسم من از ترس اینکه شما فارسی را خوب ندانید، به عربی سخن گفتم.» ابوبصیر می‌شود؛ shy&؛ گوید، امام (ع) خطاب به او فرمودند: «سیحان الله! اگر من نتوانم جواب تو را بگویم، چه فضیلتی بر تو دارم؟» آنگاه خطاب به من فرمودند: «ای ابا محمد! به راستی سخن هیچ کس بر امام مخفی و پوشیده نیست و نه تنها سخن انسانها، بلکه امام (ع) از گفتگوی پرند shy&؛ گان، حیوانات و همه موجودات زنده اطلاع دارد.» و در پایان فرمودند: کسی که این خصلت shy&؛ ها را نداشته باشد، امام نیست.

این کارشناس دینی با اشاره به ضرورت بهره مندی از کلام و سیره امام کاظم (ع) برای رفع مشکلات اقتصادی، گفت: یکی از ابعاد مهم اخلاق اسلامی در حوزه اقتصاد، تأکید بر عفت مالی است که در متون روایی از آن به «عفة البطن» تعبیر شده است. این مسأله به قدری اهمیت دارد که از منظر اهل بیت (ع) با عفت فرج، در یک ردیف قرار گرفته و از برترین عبادات شمرده شده است؛ چنان که امام باقر (ع) می‌فرماید: «إِنَّ أَفْضَلَ الْعِبَادَةِ عِفَّةَ الْبَطْنِ rlm&؛ وَ الْقَرَجُ.» مجموع روایات نشان می‌دهد از عفت بطن، مفهومی عام اراده شده و از آنجا که یکی از مصارف مهم درآمد انسان تهیه خوراک و مصرف غذا برای ادامه حیات است، برای آن، عفت شکم به کار رفته است. عفت مالی، ابعاد مختلفی دارد که اهل بیت (ع) به همه آنها اشاره نموده اند که در اینجا فرصت بررسی همه آنها وجود ندارد، اما در پاسخ به سوال شما به مناسبت ولادت امام کاظم (ع) با توجه به کلام و سیره آن حضرت (ع) چند اصل مهم اقتصادی اسلام که از مبانی اقتصاد مقاومتی شمرده می‌شود shy&؛ شود بیان می‌شود؛ کنم؛ اصل اول، ترویج فرهنگ کار و تلاش است. یکی از معضلات اصلی امروز جامعه ما، بیکاری است که اسلام به شدت با این مسأله مخالف است. جواز احیای اراضی موات و ترسیم قراردادهای مختلف اقتصادی مانند مضاربه، مزارعه، مساقات، جعاله و اجاره، همه در راستای ترویج فرهنگ کار و تلاش است. توصیه به مشاغل مختلف مانند کشاورزی، دامداری و تجارت نیز نوعی دیگر از ترویج فرهنگ کار در جامعه است. اهل بیت (ع) خود الگوی عملی تلاش و فعالیت برای جامعه بوده و در کنار هدایت و رهبری جامعه، از کارهای مفید و خدایسندانه دریغ نمی‌کردند و از بیکاری به شدت گریزان بودند. به عنوان نمونه جریانی را از فعالیت اقتصادی امام کاظم (ع) بیان می‌شود؛ shy&؛ کنم. علی بن حمزه می‌گوید روزی امام کاظم (ع) را در مزرعه ای دیدم که عرق می‌ریخت و کار می‌کرد. گفتم: «فدایت شوم! کارگران کجا هستند؟» فرمودند: «ای علی کسانی که از من و پدرم بهتر بودند، روی زمین کار کردند.» گفتم: «منظور کیست؟» فرمود: «پیامبر (ص) و امیر المومنین (ع) و همه اجداد من با دست خویش کار می‌کردند. سایر پیامبران و صالحان نیز چنین می‌کردند.»

وی افزود: اصل دوم، نفی زیاده shy&؛ خواهی است. متأسفانه یکی دیگر از معضلات فراگیر جامعه ما، زیاده shy&؛ خواهی است که اسلام به شدت با آن مخالفت نموده است. نفی زیاده shy&؛ خواهی، یکی از اصول اساسی اقتصاد اسلامی است که همواره مورد توجه اهل بیت (ع) قرار گرفته است. یکی از مهمترین مصادیق زیاده shy&؛ خواهی که متأسفانه در این شرایط سخت اقتصادی دامن گیر جامعه ما شده، احتکار اجناس و کالاهای مورد نیاز مردم در جامعه اسلامی است. امام کاظم (ع) در تشبیهی زیبا خطاب به افرادی که به حق خود قانع نبوده و به دنبال زیاده shy&؛ خواهی هستند چنین اخطار می‌شود؛ shy&؛ نماید: «ای شخصی که به دنبال زیاده shy&؛ خواهی هستی بدان و آگاه باش که اموال دنیا و زیورات و تجمّلات آن همانند آب دریا است که انسان تشنه، هر چه از آن بیاشامد بیشتر تشنه می‌شود؛ shy&؛ شود و آنقدر از آن می‌شود؛ shy&؛ آشامد که هلاک شود.» در این روایت، امام (ع) نکته shy&؛ ای بنیادی بیان نمودند که اگر افراد سودجو ذرة shy&؛ ای به آن توجه کنند، رویکردی دیگر در سبک زندگی خود اتخاذ خواهند نمود.

حجت الاسلام محمودی ادامه داد: اصل سوم، ترویج سنت شکرگزاری و سپاس است. گرچه شکر مقوله ای اخلاقی است، اما با اقتصاد ارتباط تنگاتنگ دارد. شکر، موضوعی محوری است که خدای متعال به صراحت ادای آن را از بندگان خود درخواست نموده است چنانکه در قرآن کریم می‌فرماید: «... اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي rlm&؛ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ rlm&؛ ...». عقل نیز حکم می‌کند که هر انسانی از صاحب نعمت قدردانی نماید. گاهی در شرایط سخت اقتصادی، انسانها تنها به دنبال راه shy&؛ کارهای مادی برای درمان مشکلات هستند و از راه shy&؛ کارهای معنوی غفلت می‌شود؛ shy&؛ کنند درحالی که اسلام علاوه بر تأکید بر عقلانیت یعنی به shy&؛ کار گیری عقل بشری، بر توجه به راه shy&؛ کارهای فرامادی نیز تأکید نموده است. یکی از این راه shy&؛ کارها شکر است. قرآن کریم در مورد رابطه تنگاتنگ شکر و فزونی نعمت که از راهبردهای تنظیم بازار است می‌فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي rlm&؛ لَشَدِيدٌ.» معصومان (ع)

همواره بشر را به مقوله شکر توجه داده و از هر فرصتی برای یادآوری نعمتهای الهی بهره می < shy> بردند. به عنوان نمونه در سیره امام کاظم(ع) آمده است، هشام بن أحمَر می گوید با امام کاظم(ع) در اطراف مدینه گردش می نمودم، ناگاه امام(ع) از مرکب خود پیاده شده و به سجده افتادند، پس از سجده طولانی که برخاست از ایشان پرسیدم: فدایت شوم، علت این سجده طولانی چه بود؟ فرمودند: «یاد نعمتی افتادم که خدا به من عطا کرده، دوست داشتم که پروردگارم را شکر گزارم.» بنابراین، افرادی که همواره شکرگزار هستند علاوه بر اینکه از آرامش روحی برتری برخوردارند، از مضاعف شدن نعمتهای الهی نیز بهره < shy> مند می < shy> گردند.

وی در پایان گفت: اصل چهارم ارزشمندشماری اصل مشورت است. متأسفانه بسیاری از مشکلات اقتصادی پدید آمده در جامعه به دلیل خودرأیی و دوری از مشورت است. اهل بیت(ع) در برابر شیوع تفکر استبدادی و خود رأیی بنی امیه و بنی عباس به ترویج فرهنگ هم فکری و مشورت مبادرت ورزیدند. مشورت به قدری اهمیت دارد که خدای متعال، وجود مقدس پیامبر اسلام(ص) را نیز به مشاوره دستور داده و خطاب به آن حضرت می فرماید: «شاورْهُمْ فی الْأُمْرِ.» (در کارها با آنان مشورت کن.) یکی از فواید مشورت، بهره مندی از قدرت تعقل دیگران می باشد؛ زیرا کسی که مشورت می کند، از دیدگاه های دیگر صاحب نظران بهره مند شده و از تکرار زیان های پیش آمده برای دیگران در امان می ماند، لذا کمتر دچار اشتباه و لغزش می گردد. به همین دلیل، قرآن کریم یکی از ویژگی های مومن را مشورت دانسته است. از دیگر فواید مشورت، جلب مشارکت و پشتیبانی دیگران، رفع مخالفت و کم شدن دشمنی ها می باشد. حسن بن جهم می گوید: در محضر امام رضا(ع) بودیم، سخن از امام کاظم(ع) به میان آمد، امام رضا(ع) فرمودند: با این که عقلهای مردم قابل مقایسه با عقل پدرم نبود، گاهی با غلامان سیاه خود در امور مشورت نموده و به رأی و فکر آنها احترام می گذاشت. شخصی به پدرم گفت: «آیا با غلامان سیاه مشورت می < shy> کنی؟!» در پاسخ فرمود: «همانا خداوند متعال چه بسا (راه حل مشکلی را) بر زبان همان غلام سیاه بگشاید...».

فرزاد جهان بین عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد درباره نقش امام موسی کاظم(ع) در گسترش معارف شیعی گفت: در زمان امام کاظم(ع) جریان های فکری مختلفی در جامعه حضور داشتند که از جمله این جریانها می توان به دو جریان، معتزله و اهل حدیث اشاره کرد.

وی ادامه داد: جریان معتزله تأکید افراطی به عقل داشتند و به نحو افراط در توجیه و تحلیل عقلی مسائل دینی اقدام می کردند. در مقابل، اهل حدیث هم با تأکیدی که صرفاً بر احادیث داشتند، دچار اعوجاجاتی شدند و نتوانستند مسائل عمده را حل بکنند. در عین حالی که بعضاً گرفتار احادیث جعلی هم شدند. لذا مسائل مختلفی در این کشاکش مطرح شد که از جمله اینها مبحث توحید و صفات الهی بود.

امام کاظم در واقع تلاش کردند شاگردانی را تربیت کنند که هم به دفاع عقلانی از دین و عقاید مذهب شیعه بپردازند و هم اینکه در ارتباط با قرآن و جایگاه قرآن و همچنین جایگاه احادیث نبوی و ائمه اطهار(ع) در کنار قرآن برای تفسیر آنچه که در قرآن است یک نگاه کامل و همه بعدی داشته باشند.

وی افزود: امام کاظم در واقع تلاش کردند شاگردانی را تربیت کنند که هم به دفاع عقلانی از دین و عقاید مذهب شیعه بپردازند و هم اینکه در ارتباط با قرآن و جایگاه قرآن و همچنین جایگاه احادیث نبوی و ائمه اطهار(ع) در کنار قرآن برای تفسیر آنچه که در قرآن است یک نگاه کامل و همه بعدی داشته باشند.

این استاد دانشگاه ادامه داد: امام کاظم(ع) در زمینه احادیث تلاش کردند که دامنه احادیث را از احادیثی که از فرهنگ یهودی در بین مسلمین نفوذ کرده بود و یا به خاطر رسوخ دنیاطلبی و تفسیر انحرافی از دین که به تحکیم پایه های حکومت اموی جعل شده بود اینها را کنار بگذارند و همچنین تلاش کردند نوعی معنویت را در دوری از صحنه های واقعی سیاسی و اجتماعی معنی بکنند؛ آنها را هم کنار بگذارند و بتوانند یک نگاه کامل از اسلام و مسائل اسلامی ارائه بکنند. جهان بین افزود: به عنوان نمونه اهل حدیث به روایتی تمسک می کردند که عنوان آن حدیث نزول خداوند به آسمان دنیا بود. این روایت از ابوهریره نقل شده بود که خدای متعال هر شب در یک سوم باقیمانده شب به آسمان دنیا فرود می آید.

وی یادآور شد: پذیرش و قبول این روایت مستلزم تشبیه است و اینکه خداوند از مکانی به مکان دیگری جابه جا می شود به عنوان نمونه احمد بن حنبل که از اهل حدیث است این مطلب را تعدیل کرد و مطرح کرد که خداوند عرشی دارد و در عرش خود نشسته و این عرش حدی ندارد، او به حد خودش دانا است و خداوند حرکت می کند و سخن می گوید و نگاه می کند و معتقد بود که آن نشیمن گاه خدا به اندازه چهار انگشت جای خالی وجود دارد که محل نشستن رسول خداست.

جهان بین تصریح کرد: این روایات بر اساس روایات تحریف شده ای بود که به دست مردم رسیده بود. اما امام کاظم(ع) تلاش کردند که اینها را اصلاح کنند. لذا ایشان فرمودند که خدای متعال نه نزول می کند و نه احتیاج به نزول دارد. در نظر او قرب و بُعد یکی است. برای او دوری و نزدیکی معنی ای ندارد و به عبارتی تلاش کردند یک نگاه درست از این مسئله و مسائلی از این دست را ارائه کنند. لذا این نکته بسیار مهمی بود که در بحث تلاش هایی که ایشان در تحکیم مبانی شیعی در بحث های کلامی و اعتقادی انجام دادند، قابل ارائه است.

این استاد دانشگاه در مورد دلایل زندانی شدن امام موسی کاظم توسط خلیفه عباسی هم گفت: در زمان امام موسی کاظم(ع) مسئله مهمی که وجود دارد سختی های خاصی است که برای شیعیان به وجود آمد. از جمله یکی از دلایل

این فشار هم حرکت های اعتراضی متعددی بود که از ناحیه شیعیان و علویان به خلفای عباسی صورت گرفت. وی ادامه داد: از جمله قیام حسین بن علی که به شهید فخر معروف است در زمان حکومت هادی عباسی، جنبش یحیی، ادريس که فرزندان عبدالله بودند؛ در زمان هارون، به وقوع پیوست. به هر حال همه اینها باعث شده بود که فشار به شیعیان و علویان بیشتر شود. در این شرایط بهترین کاری که می شد کرد، تقیه بوده و امام(ع) در سایه این تقیه برای حفظ و تشکل شیعه تلاش کردند.

این پژوهشگر معارف دینی تصریح کرد: اما این مسئله به معنای این نیست که امام کاظم(ع) از جهت سیاسی اقدامی نکردند بلکه حضرت، هم جریان وکالت را تقویت و تشدید کردند و هم در حالت ضمنی و خفا از حرکت هایی که علیه حکومت انجام می شد حمایت کردند. امام کاظم تلاش می کردند این جریان ها را رهبری کنند و همه این اقدامات موجب شد که ایشان تحت نظر قرار بگیرند و به صورت چندباره و متعدد به زندان بیفتند که آخرین بار آن از سال ۱۷۹ تا ۱۸۳ هجری قمری بود که حدود ۵ سال ایشان در زندان بودند و نهایتاً هم با همین زندان به شهادت رسیدند.